

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: یوجیل اوزدمیر\*  
برگردان از ترکی: فرشاد مؤمنی  
۱۵ اپریل ۲۰۲۴

## چرا چپ در اروپا ضعیف و راست افراطی قدرتمند می شود؟



اروپا به دلیل افزایش فقر ناشی از جنگ اوکراین و نگرانی‌های رو به رشد آینده در حال گذراندن دوره‌ای مهم است. به این عوامل، بودجه‌های عظیم اختصاص یافته به تسلیحات و آماده‌سازی‌های جنگی اضافه شده، که این دوره را به یک تعدیچ تبدیل کرده است. به همین دلیل، رسانه‌های المانی از هم‌اکنون شروع به انتشار اخباری در مورد روند صعودی راست افراطی در انتخابات پارلمان اروپا که در ماه جون برگزار خواهد شد، کرده اند. در یک سوم از ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا، احزاب راست افراطی، ملی‌گرا و نژادپرست-فاشیستی اغلب در نظرسنجی‌ها در رتبه اول و گاهی در رتبه دوم قرار دارند.

با توجه به سیاست‌های نئولیبرالیستی طولانی‌مدت، جنگ و سیاست‌های نظامی که احزاب سوسیال – دموکرات و سبزها به اجرای آن‌ها کمر بسته اند، این احزاب را دیگر نمی‌توان در سمت “چپ” سیاسی قرار داد. در این شرایط، تنها سوسیال دموکرات‌های واقعی که همچنان بر “عدالت اجتماعی” تأکید دارند، حزب‌های کمونیستی که دیگر هیچ ارتباطی با کمونیسم ندارند و گروه‌های واقعی سوسیالیست – کمونیست باقی مانده‌اند. کسی انتظار ندارد این گروه‌ها در انتخابات پارلمان اروپا عملکرد قدرتمندی داشته باشند.

در شرایط اقتصادی-اجتماعی سخت‌تر و نگرانی‌های افزایش یافته نسبت به آینده، از سوسیال دموکرات‌های چپ که از برنامه‌های نسبتاً اجتماعی دفاع می‌کنند تا کمونیست‌های واقعی، هیچ‌کدام نتوانسته‌اند در مقابل راست افراطی که به طور مداوم قدرت می‌گیرد، موقعیتی پیدا کنند. این روند، متفاوت از الگوی کلاسیکی است که در آن، احزاب مرکز قدرت را از دست می‌دهند، و احزاب راست و چپ رادیکال قوی‌تر می‌شوند. بررسی دلایل ظهور این دوره منحصر به فرد که

نمی‌توان تعیین کرد چه زمانی به پایان می‌رسد، و راه‌های درست خروج از آن و نجات واقعی طبقات کارگر و کارکنان اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

### دوره‌ای که با بحران آمد، زود به پایان رسید

تحت تأثیر بحران ۲۰۰۸ - ۲۰۰۹، حرکت‌های اجتماعی ضد جهانی‌سازی در سراسر اروپا شروع به رشد کردند و به دنبال آن‌ها، سوسیالیست - دموکرات‌های چپ که از ملی‌شدن بیشتر حمایت می‌کردند و خواستار مالیات بیشتر از سرمایه‌داران بودند، به قدرت رسیدند. این حرکت به تقویت این احزاب در مجالس ملی و پارلمان‌های اروپا، در یونان سیریزا، در اسپانیا پودموس، در المان حزب چپ (Die Linke)، در فرانسه حزب چپ که بعدها به «فرانسه سرکش» (La France insoumise) تغییر نام داد، و در هلند حزب سوسیالیست (SP)، منجر شد.

همه آنها در واقع نوعی ائتلاف بودند و بین این حزب‌ها، حزب سوسیالیست فرانسه فروپاشی قابل توجهی داشته و در آن کشور فقط «فرانسه نافرمان» به رهبری ژان لاک ملونشون همچنان یک قدرت مهم است. محبوبیت و کاریزمای ملونشون نقش بزرگی در محبوبیت این حزب دارد.

دیگر احزاب سوسیال دموکرات چپ بدون ارائه جایگزین‌های پیشرو، ناپدید شدند. در صدر آنها، البته سیریزا در یونان قرار دارد که در دوران «بحران بدهی»، با پشتیبانی مردم به قدرت رسید و به فشارهای اتحادیه اروپا پاسخ داد. می‌توان گفت در فرایند تضعیف قدرت سیاسی چپ اروپا از اوج به زوال، تسلیم شدن سیریزا به سیاست‌های اتحادیه اروپا و تبدیل پودموس به شریک ائتلافی که نیازهای جنبش «خشمگینان» (جنبش ۱۵-M) را کنار گذاشت، نقش بسیار بزرگی داشتند.

یانیس واراوفاکیس وزیر دارائی پیشین یونان - که خود را مارکسیست می‌داند - و به دلیل مخالفت با سیاست‌های اتحادیه اروپا استعفاء داد، در مصاحبه‌ای که در ۴ اپریل در روزنامه المانی فرانکفورتر روندشاو منتشر شد، صریحاً گفت «ما مسؤول شکست چپ در اروپا هستیم». او بیان کرد: «تقسیمات گذشته بین سوسیال دموکرات‌ها، کمونیست‌ها و دیگران بیشترین سود را به فاشیست‌ها رساند...».

او گفت: «اکنون ما شاهد آغاز نمایی هستیم که بیشتر آن را دیده ایم. برای دیدن این موضوع نیازی به پیشگویی نیست. در یونان، در سال ۲۰۱۵، ما با سیریزا فرصت جلوگیری از این دوره را داشتیم. همه نگاه‌ها به ما بود. اگر موفق می‌شدیم؟ آنگاه پودموس متفاوت بود. در فرانسه اوضاع فرق می‌کرد. اما ما با سیریزا شکست خوردیم، به همین دلیل ما مسؤول شکست چپ در سراسر اروپا هستیم».

اگر سیریزا پس از به قدرت رسیدن، دستورات سرمایه‌داری یونان و اتحادیه اروپا را به طور کامل نپذیرفته بود و می‌توانست برخی از تزهائی را که پیش از انتخابات مطرح کرده بود اجرائی و اقتصاد کشور را احیاء کند، قطعاً امروز می‌توانستیم در مورد یک «موج چپ» متفاوت در اروپا صحبت کنیم. برای این کار، این جریان به برنامه‌ای انقلابی نیاز داشت که می‌توانست واقعاً اتحادیه اروپا و ناتو را به نبرد فرا خواند. از آنجا که چنین برنامه‌ای نداشت، نتوانست وعده‌های خود را محقق کند و در نتیجه، داروهای تلخی را به خورد مردم داد. در نهایت، مردم با فرستادن آنها به خانه، جریمه‌شان کردند. پس از آن، این جریان منشعب شد و یک سرمایه دار که از ایالات متحده آمده بود قدرت را در دست گرفت.

وضعیت مشابهی برای پودموس در اسپانیا پیش آمد و پس از بحث‌ها و انشقاق‌های داخلی، شریک حکومتی «سومار» شد و سوسیال - دموکرات‌ها هم به دنبال آنها رفتند تا با هم افزایش هزینه‌های نظامی را تبلیغ کنند. به نظر می‌رسد تقسیم

جدیدی در راه است. در آلمان، حزب چپ در حال ضعف شدید است. افرادی که از حزب جدا شدند، ائتلاف زارا و انگکنشت را تشکیل دادند که به سمت گفت‌وگوهای ملی‌گرایانه کشیده شده و بیشتر پیام‌های راست‌گرایانه می‌دهد. بنابراین، امروزه اصلی‌ترین مسئولیت صعود راست افراطی در سراسر قاره، ناتوانی نیروهای سیاسی پیشرو و ضد سرمایه‌داری در سازماندهی خشم وسیع طبقه کارگر نسبت به نظام است. آنها قبل از رسیدن به قدرت، ادعای تغییر نظم موجود را داشتند، اما پس از رسیدن به قدرت به سرعت توسط سیستم مورد استفاده قرار گرفته و در آن ادغام شدند و به همین دلیل به “چپ” اعتماد نمی‌شود.

### راز موفقیت حزب کمونیست اتریش (KPÖ)

در میان همه این رویدادها، حزب کمونیست اتریش (KPÖ) در برخی ایالت‌های این کشور به نتایج کم سابقه و موفقیت آمیزی دست یافته است. پس از Graz، آنها در Salzburg نیز به یک قدرت مهم تبدیل شدند. پشت پرده این موفقیت، کمپین‌های کمک به بی‌خانمان‌ها و فقراء که توسط نمایندگان انتخابی و از حقوق خود آن‌ها سازماندهی شده، قرار دارد. آنها بعد از ورود به شوراهای محلی حقوق بالا نگرفته اند، از رأی‌دهندگان خود جدا نشده‌اند و این امر باعث شده است به دلیل تطابق بین گفته‌ها و کرده‌هایشان مورد اعتماد قرار گیرند. اصل اساسی این است که نمایندگان انتخابی از نظر شرایط اقتصادی و سبک زندگی از طبقات اجتماعی که از آن برخاسته‌اند جدا نشوند.

برای بازیابی اعتماد از دست رفته “چپ” در هر کشور، لازم است که کارهای متفاوتی از آنچه تاکنون انجام شده، صورت گیرد.

برای تغییر وضعیت در سراسر قاره، چپ دارای ذخایر کافی از نظریه و تجربه عملی است. ضرورت ایجاد یک جنبش انقلابی قوی و مخالف بنیادی سیستم، روز به روز خود را بیشتر نشان می‌دهد.

\*\*\*\*\*

\* - یوجل اوزدمیر روزنامه‌نگار و نویسنده ترکیه‌ئی است که در حوزه سیاست بین‌المللی و اروپائی و تأثیرات سیاسی و اجتماعی تحولات جهانی بر ترکیه و منطقه می‌نویسد.

منبع: سایت ترکی – evrensel